

بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی در عصر مشروطه

نادر مسلمی^۱

پروین سلاجقه^۲

محمد همایون سپهر^۳

چکیده

ادبیات معاصر ایران خصوصاً شعر، از دوره ی مشروطه به بعد رنگ و بوی دیگری به خود می گیرد و نوآوری در ارائه ی شعر معاصر، مهم ترین دستاورد ادبی این دوره است که نخستین گام در راه تجدد و ایستادن در برابر سنت های پیشین ادب فارسی به شمار می آید. این ویژگی را می توان در حوزه های زبانی، فرم، شکل و ساختار، صور خیال و اندیشه و محتوا بررسی کرد. این تحقیق با روش توصیفی _ تحلیلی، به بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی در عصر مشروطه می پردازد که از پیشگامان تجدد در این دوره است. یافته های این تحقیق حاکی از آن است که لاهوتی با به کارگیری واژه های نو و بیگانه در شعر فارسی، به دامنه ی لغات فارسی می افزاید و موجب گسترش واژگان ایرانی می گردد؛ در ترجمه هایی که از برخی اشعار شعرای روسی می کند، از گونه ای نثر ادبی (شعر منثور) بهره می جوید؛ با کم و زیاد کردن مصراع ها در قالب چهارپاره، راهی برای ظهور شعر نو باز می کند و با تغییراتی که در وزن عروضی ایجاد می کند، اشعاری در وزن هجایی می سراید و به این طریق، طرحی نو می ریزد و در برابر سنت های پیشین ادبی ایستاده، راه تجدد در پیش می گیرد.

کلید واژه ها: لاهوتی، مشروطه، نوآوری، تجدد

۱- دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

nader_moslemi@yahoo.com

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

salajeghe@gmail.com

۳- استادیار مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. mhomayonsepehr@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۷

مقدمه

سیر تحول ادبیات در ادوار مختلف تاریخی به عوامل گوناگونی وابسته است و این عوامل را می‌توان به طرق مختلفی تحلیل و بررسی کرد. بدون تردید فضای حاکم بر محیط جامعه و فرهنگ مردم در زمان‌های خاص و هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی آن در زبان و ادبیات آن دوره نیز منعکس می‌گردد. ادبیات مشروطه در پی آشنایی پیشگامان تجدد خواه با مظاهر تمدن جدید و با افکار و آثار شعرا و نویسندگان و متفکران قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی مغرب زمین تدریجاً شکل گرفت و با آزادی‌خواهی و قانون‌طلبی پایه‌ها به پیش رفت و از دهه‌های پایانی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی پای تجددخواهی به ادبیات باز شد. با گسترش اقدامات ادبی و فرهنگی که در آستانه‌ی نهضت مشروطه صورت گرفت و حرکت‌های ترقی خواهانه‌ای که امیر کبیر آغاز کرده بود، چهره‌ی فرهنگی جامعه‌ی ایرانی کاملاً تغییر کرد. شاعران روشنفکر این دوره از شعر به عنوان ابزاری توانمند در افشای خیانت‌ها و بی‌عدالتی‌های استبداد داخلی و استثمار خارجی بهره می‌بردند. عصر مشروطه در ایران سرآغاز فصلی نو در تاریخ ادبیات فارسی است که دریچه‌های نوآوری و نواندیشی را به روی ادیبان و ادب‌دوستان خود گشود و انقلاب مشروطه نیز از سوی دیگر بینش تازه‌ای را بین روشنفکران ادبی در ایران رواج داد که دستاورد آن آشکار ساختن سرمایه‌های نهفته‌ی فرهنگ و ادب ایرانی بود. از آنجایی که شعر هر دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد، شعر مشروطه نیز از این خصیصه تبعیت می‌کند و شاعران این دوره بنا بر گرایش‌های فکری، روحی و روانی، گونه‌ی خاصی از زبان شعر را به کار می‌گیرند که می‌تواند وابسته به عوامل گوناگونی باشد.

بیان مسأله

نوآوری در معنای عام در ادبیات، تنها اختصاص به دوره‌ی معاصر ندارد. بلکه در تمامی ادوار مختلف می‌توان آثار آن را در متون ادبیات مشاهده و بررسی کرد. البته این مقوله در ادبیات پیشین از ویژگی‌های چندان بارزی برخوردار نیست و در هر دوره، آن چنان که باید تحول شگرف و عظیمی به بار نیاورده است و تنها موجب تغییرات جزئی در قالب‌های شعر و نثر و یا در الفاظ و تعابیر و گاهی محتوا و درون‌مایه‌ها شده است. نوآوری در هر دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد و نوآوران را می‌توان از ادیبان برجسته و ممتاز تاریخ ادبیات شمرد. گرچه در برخی موارد نمی‌توان فرد خاصی را به عنوان

بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی... ||| ۱۹۱

نوآور ادبی شناخته و معرفی کرد، اما عده یا گروهی را می‌شود در زمان‌های تقریبی به عنوان نواندیش و نوگرا دانست و اما نوآوری در معنای اخص خود (سنت شکنی)، از اواخر مشروطه آغاز می‌گردد که در شعر معاصر، نخستین گام جدی در راه تجدد و ایستادن در برابر سنت‌های پیشین ادب فارسی است. این ویژگی را می‌توان در حوزه‌های زبانی، فرم، شکل و ساختار، صور خیال و اندیشه و محتوا بررسی کرد که هر یک زیرشاخه‌های خاص خود را دارد. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی در عصر مشروطه می‌پردازد. وی یکی از چهره‌های بارزی است که در این دوره قدم‌های مثبت و اندیشمندانه‌ای در مسیر نوآوری برداشته است. او با به کارگیری واژه‌های بیگانه در شعر فارسی نه تنها دریچه‌ای برای ورود واژه‌های جدید باز می‌کند، بلکه موجب گسترش دایره‌ی لغات ایرانی نیز می‌شود و با تغییراتی که در قالب چهارپاره و وزن عروضی می‌دهد، باعث تولید زیرمجموعه‌های شعر فارسی می‌گردد. وی در ترجمه‌ها و نوشته‌های نثرگونه‌ی خود نیز تحولاتی ایجاد می‌کند که همگی دست ادیبان و اهل قلم را باز می‌گذارد تا از خلأ موجود در ادبیات پیشین بیرون آمده، راهی نو برای ابراز اندیشه و زبان ادبی خود پیش گیرند. او از این طریق در ادبیات معاصر طرحی نو می‌ریزد و در برابر سنت‌های پیشین ادبی ایستاده، راه تجدد در پیش می‌گیرد. لاهوتی را می‌توان هم چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا ملکم خان، از پیشتازان نوآوری در تاریخ ادبیات معاصر دانست که نهضت تجددطلبی را در عصر مشروطه پایه‌ریزی کردند.

اهداف و ضرورت انجام تحقیق

شناخت شاعران و دست‌یابی به دیدگاه‌های خاص آنان نسبت به اوضاع جهان پیرامونشان از دیرباز نظر بسیاری از دانش‌پژوهان تاریخ ادبیات را به خود جلب کرده است. در این میان شاعران عصر مشروطه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، چرا که در تحلیل اشعار این دوره، تفاوت‌های بسیاری در آرای شاعران نسبت به اوضاع داخلی و خارجی دیده می‌شود. به نظر برخی از صاحب نظران، این اختلافات عمدتاً در واقعیت‌های اجتماعی و جهان پیرامون آنهاست که شاعران این دوره بیش‌تر در اشعارشان به کار می‌بردند. کندوکاو در پیشینه‌ی ادبیات فارسی و جنبه‌های سیاسی - اجتماعی آن نشان می‌دهد که عصر مشروطه مهم‌ترین دوره از نظر تغییر و تحول در فرهنگ ایرانیان است و مقوله‌ی نوآوری اگرچه موجب پدید آمدن سبک جدیدی در عرصه‌ی ادبیات نشد، اما رفته رفته باعث تحولات جدیدی در

۱۹۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

قالب و وزن شعر فارسی و نیز نثر ادبی با مضامین جدیدتری در ایند دوره گشت تا گامی به سوی پیشرفت و گسترش ادبیات فارسی برداشته شود که امروز انعکاس و بازتاب آن را در متون ادب فارسی به چشم می بینیم.

روش تحقیق

از آنجایی که تحقیقات علمی، از حیث ماهیت و روش، به گونه‌های توصیفی (محض و تحلیلی)، تاریخی، هم‌بستگی، علی و تجربی و بر اساس هدف، به تحقیقات بنیادی (نظری و تجربی) و کاربردی تقسیم می‌شود، روش تحقیق در این رساله، از حیث ماهیت و روش، از گونه‌ی توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی-نظری است.

پیشینه‌ی تحقیق

اشعار دوره‌ی معاصر، خصوصاً عصر مشروطه از زوایای گوناگون مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. برخی از شاعران این دوره در تغییر سبک پیشین شعر فارسی سهم بیش‌تری داشته‌اند، از جمله ابوالقاسم لاهوتی که از جایگاه ویژه‌ای در نوآوری (سنت‌شکنی) برخوردار است. از آثاری که در این راستا به بررسی این موضوع پرداخته، می‌توان به مقاله‌ی «جنبه‌های نوگرایی در وزن شعر ابوالقاسم لاهوتی و منشأ آن» نوشته‌ی نسرین علی اکبری و علی نظر نظری تاویرانی اشاره کرد. اما در باب محورهای نوآوری این شاعر برجسته و ممتاز این دوره، پژوهش کامل و مستدلی در دسترس نیست. این مقاله با بررسی محورهای نوآوری (سنت شکنی) از جنبه‌های گوناگون و متنوع تری می‌پردازد که امید است رهنمودی تازه برای پژوهشگران آینده باشد.

مبانی نظری

بحث

نوآوری مدیون نقدهاست. شاید بتوان گفت که نقد ادبی اولین گام مؤثر در تطور و تحول ادبیات و راهی روشن در برابر ظهور تجدد علیه سنت‌های پیشین است که توسط برخی ادیبان روشنفکر پیشین صورت گرفته است. نقد ادبی پیشینه‌ای بس طولانی دارد. «در باب نقد و تاریخ آن پیش از ظهور افلاطون و ارسطو اطلاعات زیادی در دست نیست. پیزیسترات، جبار و سردار معروف آتن را که از سال ۵۲۵ تا ۶۰۰ میلادی می‌زیست، شاید بتوان قدیم‌ترین منتقد در ادب یونان شمرد.» (زرین کوب،

بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهیجی... || ۱۹۳

۱۳۶۹: ۲۷۷) و اما «نقد ادبی در ایران بسیار اندک مایه بوده است، در کنار شاهکارهای بزرگ ادبی زبان فارسی، ادیبان ما از نقد و انتقاد ادبی بی بهره بودند. مجموعه‌ی آن چه به عنوان نقد شعر در کتب بلاغی و تذکره‌های ما مطرح شده از حدود چند نکته‌ی کلی در باب الفاظ یا مسأله‌ی سرقات تجاوز نمی‌کند. در دوره‌های متقدم از قبیل عصر غزنوی و سلجوقی فقط بعضی اشارات کوتاه صاحب "ترجمان البلاغه" و پس از او در عصر مغول نکته‌هایی از کتاب "المعجم فی معاییر اشعار العجم" شمس قیس رازی مجموعه‌ی فرهنگ انتقادی ادیبان ما را نشان می‌دهد.» اما در عصر مشروطه «بی-گمان نخستین کسی که در این دوره به نقد ادبی پرداخته میرزا فتحعلی آخوندزاده است ... وی در انتقاد بر شعر فارسی می‌گوید: در ایران نمی‌دانند پوئتری (شعر و شاعری) چگونه باید باشد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). بعد از آخوندزاده، روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان ناظم الدوله، سید جمال الدین اسعد آبادی، میرزا آقاخان کرمانی و عبدالرحیم طالبوف از بزرگ‌ترین پیشگامان تحول و تجدید علیه سنت‌های پیشین محسوب می‌شوند.

باقر مؤمنی در کتاب "ایران در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت"، نوآوری (سنت‌شکنی) را یکی از ویژگی‌های مهم ادبیات مشروطه می‌داند و معتقد است که «ادبیات مشروطه قبل از هر چیز باید سنت-شکن باشد و برای این که بتواند این وظیفه را انجام بدهد، باید انتقادی باشد.» (مؤمنی، ۱۳۵۷: ۱۲۱). وی این موضوع را در چهار مقوله بررسی می‌کند:

۱- تاریخ نویسی: تاریخ نویسی از جمله مقوله‌هایی است که متفکران مشروطه به صاحبان این گونه آثار به شدت حمله می‌کنند. از جمله سه اثر بزرگ پیشین به نام‌های تاریخ و صاف، دره‌ی نادری و روضه الصفا چرا که اینان معتقدند که نویسندگان این گونه تاریخ، فقط به الفاظ مکروه پرداخته و به شعربافی و قافیه‌سازی دست زده‌اند و با این کارها در واقع خود و خواننده را به نوعی مشغول ساخته‌اند، در حالی که نوشتن تاریخ در حقیقت به خطر انداختن جان خود نویسنده باید باشد.

۲- روزنامه نگاری: به علت در دست گرفتن و تام‌الاختیار داشتن چاپ و نظارت بر آن توسط دولت حاکم، روشنفکران ترقی خواه در داخل امکان بهره‌وری از آن را نداشتند، تنها آن دسته که در خارج بودند از این امکان برخوردار بودند تا علیه حکومت عصر مطالبی نشر دهند. در این دوره، تنها روزنامه‌هایی با عناوین ایران، اطلاع و ملتی منتشر می‌شدند که کاملاً در اختیار دولت بود.

۱۹۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۳- نثر ادبی: بیش تر نویسندگان این دوره، مقلدان سعدی و امثال او بودند و اگر آرایه‌ی ادبی سجع را از نوشته‌های ایشان بردارند، خواهند دید که نوشته‌های شان پوچ و بی محتوا خواهد بود.

۴- شعر: شاعران این دوره «شعر را وسیله‌ای در راه بهتر کردن زندگی مردم می دانند و هر نوع نظم را که از شیوه‌ی رئالیستی تبعیت نکند، شعر نمی دانند. (همان، ۱۲۷). خصوصاً معتقدند که حُسن مضمون و حُسن الفاظ از شرایط عمده‌ی شعر است. در این دوره، «متفکران مشروطه تنها به نقد تند و طنز آمیز ادب و شعر کهنه نپرداخته‌اند. آن‌ها در عین حال، اصول جدیدی هم برای شعر و شاعری می آورند.» (همان، ۱۲۴-۱۲۵) و «شعر را وسیله‌ای در راه بهتر کردن زندگی مردم می دانند و هر نوع نظم را که از شیوه‌ی رئالیستی تبعیت نکند، شعر نمی دانند. (همان، ۱۲۷). خصوصاً معتقدند که حُسن مضمون و حُسن الفاظ از شرایط عمده‌ی شعر است.

نشانه‌های نوآوری در شعر این دوره را می‌توان در حوزه‌های متفاوتی بررسی کرد:

۱- حوزه‌ی زبان:

روند تاریخی زبان در ادوار مختلف نشان می‌دهد که این مقوله با توجه به عوامل گوناگون، پستی و بلندی‌های زیادی را پیموده است و در هر دوره بنا به شرایط موجود و به تبعیت از نیازهای مردم برای ایجاد ارتباط و همدلی، دچار فرسایش و تغییراتی نیز شده است. در این دوره، عده‌ای از شاعران هم- چون ادیب الممالک فراهانی و بهار از زبان پرصلابت گذشته استفاده کردند و گروهی دیگر مانند سید اشرف الدین گیلانی، عارف قزوینی و میرزاده‌ی عشقی زبان کوچه و بازار را برگزیدند. اینان به کلام به صورت یک سلاح نگاه کرده و سادگی و کوتاهی گفتار را توصیه می‌کردند. به عقیده‌ی مؤمنی «متفکرین مشروطه می‌خواهند و اصرار دارند که کلام را از قصرهای با شکوه اشرافی بیرون بیاورند و به خدمت مردم کوچه و بازار بگمارند. دلیلش هم روشن است. آخر آن‌ها می‌خواهند توده‌ها را به ضد اشرافیت قرون وسطایی به میدان انقلاب بکشانند، به استبداد قرن‌ها و قرن‌ها خاتمه بدهند و دموکراسی را به تخت بنشانند.» (مؤمنی، ۱۳۵۷: ۱۴۳).

۲- حوزه‌ی واژگان:

اگر واژگان را مجموعه‌ای از فرهنگ ادبیات یک سرزمین بدانیم که شامل واژه‌ها، اصطلاحات، کنایات، عبارات و ... می‌شود. پیش از عصر مشروطه، شاعران بر این اصل مقید بودند که تابع قوانین

معمول و متداول در زبان و ادبیات فارسی باشند و از این امر عدول نکنند که باعث فروپاشی نظام ادبی گردد. لذا شاعری جرأت سرپیچی از این بابت را نداشت و از آن چه که پیشینیان به آن متعهد بودند، سر باز نمی‌زد. اما با ظهور انقلاب مشروطه، شاعران روشنفکر و انقلابی تلاش کردند از واژه‌ها و عبارات محاوره و مردمی بیش‌تر بهره‌گیرند. چرا که ضرورت چنین ایجاب می‌کرد که پایه‌های انقلاب در تمامی زمینه‌ها حتی ادبیات پیش بروند. به عنوان نمونه، ایرج میرزا «مواد زبان عامه را با برخی اصطلاحات و تعبیرات اداری و امثال آن و نیز با بعضی کلمات رایج در بیان درس خواندگان زمان به-هم آمیخته، از مجموعه‌ی آن‌ها زبانی پدید آورده بود، همه‌کس فهم و روان و پرتوان که استاد خانلری آن را به زبان روزنامه تعبیر کرده است.» (یوسفی، ۱۳۵۸: ۳۶۱). علاوه بر این، از وجود واژه-های بیگانه از قبیل روسی، اروپایی و غربی نیز نباید غافل بود. خصوصاً لاهوتی که تحت تأثیر انقلاب-های روسیه و فرانسه بود، از این گونه واژه‌ها بیش از دیگران بهره برده است. این شاعر سیاسی و روشنفکر در زمینه‌های انقلاب و کارگران اشعار فراوانی سروده که می‌توان وی را از بنیان و مبتکران ادبیات کارگری در ایران نیز به شمار آورد.

۳- حوزه‌ی فرم و ساختار:

عصر مشروطه را باید آغاز ساختارشکنی و ناهنجاری در شعر دانست. در این دوره قالب‌های پیشین با این که در بسیاری از اشعار شعرا دیده می‌شود و این دسته هنوز به قالب‌های پیشین پای‌بند هستند، اما هم‌چنان از سوی برخی شاعران روشنفکر متجدد مورد نکوهش قرار می‌گیرند. محدودیت تعداد ابیات، تساوی بالاجبار مصراع‌ها در طول و تعداد هجاها، تقید به آوردن قافیه و رعایت اوزان عروضی موانعی بودند برای رهایی از سنت‌ها و آزادی در نوع بیان. از این رو عده‌ای از شعرا در پی ابداع قالب‌های نوین و اوزان جدید و نیز مضامین و درون‌مایه‌های متفاوت و ایجاد موسیقی متنوع، دست به نوآوری می‌زنند و در این راه طبع‌آزمایی می‌کنند. در نتیجه حاصل این مخالفت‌ها، قالب‌های غزل سیاسی و اجتماعی، بحر طویل عامیانه، منقطعات (بی برگردان)، قطعه‌ی بلند، مثنوی کوتاه، مسمط ترکیبی و ترجیعی، دو بیتی (با تغییر و جابه‌جایی در قافیه‌ها)، مثلث (سه مصراع‌ی)، مستزاد، چهارپاره (چهار مصراع‌ی با تغییر و جابه‌جایی در قافیه‌ها)، ترانه‌ی عامیانه، تصنیف و ابداع وزن‌های جدید از دستاوردهای این نوآوری در مسیر سنت‌شکنی است. هم‌چنین در برخی ترجمه‌ها از اشعار اروپایی و

۱۹۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

غربی، نوعی نثر ادبی نیز دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را چون شعر در ردیف اشعار نو دانست که این شیوه بیش‌تر در ترجمه‌های لاهوتی از اشعار روسی دیده می‌شود.

۴- حوزه‌ی محتوا و درون‌مایه:

محتوای شعر مشروطه، غالباً سیاسی- اجتماعی است و بیش‌تر در زمینه‌های مسایل جاری، حوادث زمانه و نیازهای انقلاب و مردم مطرح می‌شود. در این دوره علاوه بر مسایل جاری و واقعیت‌های روزمره، «شاعران غالباً برای تهییج و تحریک خواننده، به شعر نوعی چاشنی حماسی می‌زدند.» (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۳۱) و اما «درون‌مایه‌های شعر مشروطه در قیاس با دوره‌ی قبل، مسایلی است از قبیل: آزادی، وطن، زن، غرب و صنعت غرب، انتقادهای اجتماعی و تا حد زیادی دوری از نفوذ دین، فقدان تصوف و باز هم کلیت معشوق در آثار غنایی. البته شعر غنایی به معنی عاشقانه نُرَم و هنجار طبیعی ادبیات مشروطه نیست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۵). امین پور اعتقاد دارد: «شعر عصر مشروطه، غالباً شعری است موضوعی و موضعی. شعری است که از موضوع آغاز می‌شود، موضوعی که خارج از شعر است. از بیرون سفارش می‌گیرد و غایت آن‌هم بیرون است.» (امین پور، ۱۳۹۰: ۳۱۳). «شعر مشروطه اگرچه از جوهر شعری و غایت درونی خود دوری می‌گزیند، اما از این طریق به غایت بیرونی خود که خدمت به اجتماع و انقلاب است، بسیار نزدیک می‌شود.» (همان، ۳۱۴).

۵- حوزه‌ی تخیل و صور خیال:

تخیل کوشش ذهنی برای کشف روابط پنهانی اشیاست و حاصل آن، تجلی صور خیال (کنایه، استعاره، تشبیه و مجاز) است که در خیال‌انگیز بودن شعر بسیار مؤثرند. این ویژگی تنها در اشعار پیش از مشروطه و در برخی موارد در اشعار بعضی از شعراى متعهد به دروره‌های قبل دیده می‌شود در حالی که در اشعار شاعران نوآور و تجدد طلب که مخالف شیوه‌های پیشین بودند، کم‌تر مشاهده می‌شود، چرا که شاعران نوآور و سنت‌شکن عصر مشروطه، در پی تخیل و خیال‌انگیزی اشعار خود نبودند و بلکه از آن بیزارى نیز می‌جستند. شفیعى کدکنى معتقد است: «تخیل شعر مشروطیت، جز در یکی دو نفر، اصلاً تغییر نکرده، مثلاً در شعر عشقی نمونه‌های تخیل تازه را می‌بینیم. نمونه‌ی موفق تحول در تخیل، میرزاده‌ی عشقی است که در "سه تابلو مریم" او نمونه‌ی کامل آن دیده می‌شود. این تحول در

بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی... || ۱۹۷

ایرج میرزا هم گاه گاه به چشم می خورد ولی با احتیاط و محافظه کاری بیش تر.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۴۱).

یافته‌ها

اشعار لاهوتی قبل از ورود به شوروی، از سبکی شناخته شده پیروی می کرد که به همه ی آثار او تشخیص و امتیاز خاصی می بخشید. شعر و اندیشه‌ی او در آغاز بیش تر بر اسلوب «مبارزه علیه» تکیه داشت تا «تلاش برای» و فاقد برنامه‌ی روشن و مدونی بود. تا این که او در شوروی، به طور نظام‌مند با اندیشه‌ی سوسیالیسم آشنا شد. «گرایش مارکسیستی لاهوتی در شوروی آن روزگار، رنگ استالینیستی آشکاری به خود می گیرد. در سال های نخست اقامت در آن کشور به گواهی سروده‌هایش، تمایلات ضد مذهب تند از خود نشان می دهد که به تدریج و با گذشت زمان از تندی آن کاسته می شود و سپس تقریباً محو می گردد. با پیوستن لاهوتی به حزب کمونیست و کسب مقام و منصب حزبی دولتی، شعر او تام و تمام در خدمت بیان شعارها و تعالیم حزبی قرار می گیرد و او در مواردی نه چندان اندک در هیأت شاعری مداح از گونه‌ی مارکسیستی آن جلوه گر می شود و کلامش از حیث جنبه‌های هنری زبان، کم رفق و در مجموع کم اعتبار و بی روح می نماید. هر چند به ظاهر پر شور ترین شعارها را منعکس می سازد.» (صدری نیا، ۱۳۷۵: ۱۹۷).

هم چنین لاهوتی را باید «رسانترین صدای ادبیات کارگری» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۸) بنامیم که ادبیات کارگری در این دوره به نام وی ثبت و پایه گذاری شده است. شخصیتی که در دفاع از کارگران و رنجبران، اشعار بسیاری سروده و ترجمه کرده است. لاهوتی علاوه بر نوآوری‌هایی که دارد، «در ساخت شعر و شاعری هم آرای انقلابی داشته است و دست به تجربه‌هایی زده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۳۹). «اکثر پژوهش‌گران، نوگرایی لاهوتی را حاصل آشنایی او با زبان‌های روسی و فرانسه می دانند.» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۴۴۶).

شاید به قطع یقین نتوان گفت که چه شخصی برای اولین بار دست به ابداع شعر نو زد. در این باره نظریه‌ها و اقوال مختلفی هست که در این مقاله، مجال پرداختن به همه یا برخی از آنها نیست، اما می توان به چند مورد مهم اشاره کرد، از آن جمله، شمس لنگرودی در جلد اول کتاب "تاریخ تحلیلی شعر نو"، به آن دسته از کسانی که تقی رفعت را بانی شعر نو می داند، می نویسد: «تقی رفعت نخستین شاعر نوپرداز در شعر فارسی نبود، او نخستین تئوریسین و نخستین منادی شعر نو بود. نخستین شعر نو را

۱۹۸۱ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

در ایران، ابوالقاسم لاهوتی در سال ۱۲۸۸ ه.ش؛ یعنی، یک دهه پیش از تقی رفعت سروده بود. «شمس لنگرودی، ۱۳۷۰: ۴۹) و بهروز مشیری در مقدمه‌ی "کلیات شعر ابوالقاسم لاهوتی" آورده است: «لاهوته به حق یکی از پیشگامان و پایه‌گذاران شعر نو در ایران است، هم از لحاظ مضمون و هم از نظر ترکیبات شعری. حتی نیما یوشیج که پدر شعر نو لقب یافته است، در اوان شاعری متأثر از اشعار لاهوتی بود. از آن جا که نام لاهوتی در گرو سانسور قرار داشت، این امکان نبود تا اقدامی جهت شناخت وی به عمل آید.» (لاهوته، ۱۳۵۷: ۱۵). برخی نیز معتقدند که صدرالدین عینی (۱۳۳۳-۱۲۵۷ ه.ش)، شاعر تاجیک یکی از نخستین سرایندگان شعر نو فارسی است. او پنج سال پیش از آن که نیما، "افسانه" را بسراید؛ یعنی، در سال ۱۲۹۶ ه.ش، شعری به شیوه‌ی نو سروده بود، به نام "مارش حریت":

«ای ستم‌دیدگان، ای اسیران / وقت آزادی ما رسید / مزدگانی دهید، ای فقیران / در جهان صبح شادی دمید / هر ستمکار دون خرم و شاد / سال‌ها جام عشرت چشید در شب تیره جور و بیداد / هر ستم‌دیده محنت کشید.»

بررسی محورهای نوآوری در شعر لاهوتی

۱- نوآوری در به‌کارگیری واژه‌های نو و بیگانه در شعر فارسی

لاهوته واژگانی را که تا پیش از آن دوره راهی در شعر فارسی نداشتند، به زبان شعر وارد کرد. برخی از این واژه‌ها، اصطلاحات سیاسی غربی است که امروزه برای همگان مأنوس بوده و معنا دارند و برخی، واژه‌های روسی و تاجیکی اعم از اعلام و اسامی و غیره است که حتی امروزه هم در فرهنگ‌های فارسی ثبت نشده‌اند. هم‌چنین از واژه‌های بومی، محلی، عامیانه و گویش‌های مختلف، و واژه‌های مهجور و برخی سر واژه‌ها نیز متعدد بهره برده است. به عنوان نمونه:

با علم لنین در مشرق زمین بیخ بای‌ها را می‌سوزانیم

بای: ملاکین بزرگ تاجیکستان، خان

به حکم شورا با شرکت ما کالخور عظمت ایجاد شد

(لاهوته، ۱۳۲۰: ۹۷)

کلخوز: مزرعه‌ی اشتراکی

بورژوازی شده با حربه‌ی دین حاضر جنگ چون کک افتاده خدا باز به تنبان همه
(همان، ۱۰۵)

بورژوازی: سرمایه‌داری مرفه

نیست خصمی کو پلیس مخفی سرمایه نیست پس نباشم از چه ما در نفع صنف خود چکی است
پلیس: نیروی نظامی و انتظامی / چکی (چکا): عضو تشکیلات مبارزه با ضد انقلابیون
یا با شتاب لنین تسلیمشان بی فن نمود یا که آن‌ها را حساب از لشکر دشمن نمود
(همان، ۱۲۱)

شتاب (اشتاد): ستاد

بالشویکانه بدون تخفیف خواجگی را همه کن کاللیکتیو
(همان، ۱۲۲)

بالشویک: حزب کمونیست شوروی / کاللیکتیو: دسته‌جمعی

در همه جبهه به ضد کولاک سبزد و روید و جوشد باتراک
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۱۳۱)

کولاک: مالکین عمده / باتراک: دهقانی که در ده برای دیگری کار می‌کند
فتوحات ما در پرومفینیپلان بود عامل انقلاب جهان
(همان، ۱۳۴)

پرومفینیپلان: نقشه‌ی صنعتی و مالی

زن پر غمزه گفت بی رویال رفتنم با تو هست کار محال
(همان، ۱۴۹)

رویال: پیانوی بزرگ

تصور نمودم که در عید مای در ایران شده انقلابی به پای
(همان، ۱۶۰)

۱۱۲۰۰ // دو ضمیمه مطالعات نقد ادبی اسال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

مای: جنبش کارگران جهان

فتح لاچلیسیس به ریتسار سیاه فتح انسانی به دیو کینه خواه
(همان، ۱۶۲)

لاچلیسیس: نام قهرمان ملی

بریگاد من در شکست افتاد تو را نام فرزند پست افتاد
(همان، ۱۶۴)

بریگاد: کارگران و دهقانان

چو از لشکر سرخ این مرز و بوم بشد پاک ار باسمه چی های شوم
باسمه چی: مخالف مسلح حکومت شوروی
علم کرده علم لنینیزم را به پا می کنیم سوسیالیزم را
(همان، ۱۷۰)

لنینیزم: نظریه‌ی سیاسی برای سازمان سیاسی حزب پیشتاز انقلابی و دستیابی به دیکتاتوری پرولتاریا، به رهبری لنین

سوسیالزم: نظریه‌ی جامعه‌خواهی و جامعه‌گرایی، اجتماعی

کرکس فاشیسم با متقار خونین در گریز از پیش بال ظفر بگشاده شاهین می‌پرد
(همان، ۱۷۷)

فاشیسم: گونه‌ای نظام حکومتی خودکامه‌ی ملی‌گرای افراطی، به رهبری موسولینی

خطیبان و حکیمان و طیبیان منجم اگرونوم‌ها و ادیبان
(همان، ۱۸۲)

اگرونوم: متخصص امور کشاورزی

از حاصل الکترو استال نواری بنوشته بر آن پنج شود اجرا در چار
(همان، ۲۲۴)

اکترو استال: کارخانه‌ی فولادسازی

زمین و آسمان را گر بکابم بتی مانند تو هرگز نیابم
(همان، ۲۹۴)

بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی... ۲۰۱۱۱۱

بکابم: بکاوم (از مصدر کافتن تاجیکی)

جانا دلم که پیش تو چون بره راحت است تنها که هست، جنگره چون ببر می شود

جنگره: وحشی

کاهد غم از نگاهت اگر هم بود چون کوه کاه ار بود، جدا ز تو استبر می شود

(همان، ۳۴)

استبر (استبرک) نوعی درخت

۲- نوآوری در قالب شعر

لاهوتهی از نخستین کسانی است که در ترجمه‌ها و اشعارش، خلاقیت‌ها و ابتکارات زیادی را به شیوه‌های نوین به کار برده است. این نوآوری را می‌توان در دو محور بررسی کرد:

الف) ترجمه‌های اشعار بیگانه

این گونه ترجمه‌ها که بیش تر به نثر بود، همان شیوه‌ای است که بعدها از آن به عنوان شعر منشور نام برده‌اند.

به عنوان نمونه:

بخشی از ترجمه‌ی "سرود شهباز"، نوشته‌ی ماکسیم گورکی:

«من با فخر زیستم / بخت را شناختم / بی‌یاک جنگیدم / دیدم فلک را / تو چنان نزدیک / نخواهی دیدش / ای بیچاره تو / خوب، چیست آسمان؟ / یک جای تهی / آن‌جا چون خرم؟ / من این‌جا خوشم / گرم است و نمناک.» (لاهوتهی، ۱۳۵۸: ۷۰۸).

بخشی از ترجمه‌ی «کاخ یادگار» نوشته‌ی الکساندر پوشکین:

«به خود کاخی به پا کردم که دست آن را نمی‌سازد / علف هرگز نبوشد راه مردم را به آن محضر / معظم آب ده آن‌سان که بالاتر سرافرازد / ز برج شاه اسکندر» (لاهوتهی، ۱۳۵۷: ۳۴۷)

ب) برخی اشعار خود

۱- اشعار نثرگونه: با این که لاهوتهی شعر مستقلی تماماً منشور نگفته است، اما در برخی از اشعاری که وی به شیوه‌ی نو سروده، بخش‌هایی دیده می‌شوند که نثرگونه‌اند. مانند اشعار "خورشید من" و "اتاق من". این دو نمونه شعر، آمیزه‌ای است از نثر ادبی (شعر منشور) و چهارپاره‌های موزون اعم از متساوی بودن مصراع‌ها در آن‌ها و یا نامتساوی بودنشان.

۲۰۲۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

به عنوان نمونه:

شعر "اتاق من":

«منزل در طویله‌ی کهنه / جنب آرباط خانه‌ی سی و هفت / مرتبه‌ی پنج اتاق نمره‌ی هشت / سابقاً بوده
مهمان‌خانه / چار همسایه بچه‌ها زانند / تازه بالا و رو به رو چپ و راست / وق و وق از چهار سو
برخاست / تا ز مخرج به خشت افتادند» (لاهوته، ۱۳۵۸: ۶۵۴)

شعر "خورشید من":

«دور از رخت سرای درد است خانه‌ی من / خورشید من کجایی / سرد است خانه‌ی من»

(لاهوته، ۱۳۵۷: ۲۲۲)

۲- اشعار موزون (چهارپاره‌های نامتساوی): لاهوته علاوه بر اشعار موزون و مقفای خود به شیوه‌ی
گذشتگان، دو بیتی‌های دیگری دارد که نوعی چهارپاره‌ی نامتساوی محسوب می‌شوند. وی با کم و
زیاد کردن مصراع‌ها، دو بیتی‌هایی خلق می‌کند که در آن‌ها، مصراع‌ها - با اختلاف در چینش و
تعداد قافیه‌ها - کوتاه و بلند آورده می‌شوند. مانند اشعار "وفای به عهد"، "وحدت و تشکیلات"،
"زنده است لنین" و دو دریا که برخی از چهارپاره‌های آن‌ها نامتساوی اند و برخی متساوی. به عنوان
نمونه:

چهارپاره‌ی "وفای به عهد":

من عهد نمودم که اگر نان به کف آرم	تو از گرسنگی دیده بیستی
برخیز که نان بخشمت و جان بسپارم	اول به سر قبر عزیز تو ببارم

(لاهوته، ۱۳۵۷: ۲۲۰)

چهارپاره‌ی "وحدت و تشکیلات":

زرد و باریک چو نی	سر ریشی نتراشیده و رخساری زرد
ژنده ای در تن وی	سفره ای کرده حمایل پتویی بر سر دوش

(لاهوته، ۱۳۵۸: ۲۶۶)

چهارپاره‌ی "زنده است لنین":

همه در جوش و خروش	اجتماعی غلیانی نتوام گفت که چند
-------------------	---------------------------------

بررسی محرم‌های نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی... ||| ۲۰۳

انقلابی هیجانی نتوان دید که چون مغز مخلوق به جوش
(لاهوته، ۱۳۵۷: ۲۲۹)

چهارپاره‌ی "دو دریا":

دور از یک‌دیگر دو دریا بود در زمین وسیع شوراها
جنگل و سنگلاخ و صحرا بود مانع اتحاد دریاها
(همان، ۲۳۴)

لاهوته در برخی از ترجمه‌های اشعار شاعران جهان نیز از چنین قالبی استفاده کرده است. مانند ترجمه‌ی "گفت و گو با رفیق لنین" از ولادیمیر مایا کوفسکی:
رفیق لنین، من می‌دهم خرسند گزارش نه رسمی با امر دل
رفیق لنین، خواهند شد، می‌شوند اجرا کارهای دوزخ‌وار مشکل
(همان، ۳۴۵)

۳- نوآوری در وزن شعر (خروج از وزن عروضی و گرایش به وزن هجایی)

خروج از وزن عروضی و گرایش به وزن هجایی (عددی)، نوآوری دیگر لاهوتی در شعر عصر مشروطه است. وزن هجایی در شعر امروز فارسی کاربردی ندارد. این نوع تغییر در شعر شاعران پیش از نیمه، در اشعار لاهوتی متعدد دیده می‌شود. وزن هجایی «بر اساس نظم و تناسب میان هجاهای بلند و کوتاه مصراع‌ها و خطوط تشکیل دهنده‌ی شعر به وجود می‌آید.» (فضیلت، ۱۳۸۳: ۵). وزن هجایی از مختصات شعر ایرانی پیش از اسلام است. شعر هجایی بیش‌تر به نثر شبیه است. قدیم‌ترین شعر ایرانی سخنان زردشت است که به وزن هجایی است. بعد از لاهوتی، «در دوران معاصر نخستین شعر هجایی را میرزا یحیی دولت‌آبادی در سال ۱۳۳۰ ه.ق به تشویق ادوارد براون سروده» (روزبه، ۱۳۹۱: ۵۳۱). «گفتنی است که ۲۳ سال پیش از دولت‌آبادی، میرزا حبیب اصفهانی نیز تجربیاتی در این زمینه دارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۵۳۱). تا یکی دو قرن اخیر، وزن غالب اشعار کردی وزن هجایی بوده است و شعرای کرد برای بیان احساسات و عواطف شاعرانه‌ی خویش از آن استفاده می‌کرده‌اند. هنوز هم شاعران کرد در این وزن شعر می‌سرایند. برخی گفته‌اند که لاهوتی در اشعار هجایی خود، گویا متأثر از سروده‌های هجایی کردی است. از میان ۵۰ شعر نویی که لاهوتی سروده، تنها تعدادی از آن‌ها در وزن هجایی است که برخی از این اشعار در اوزان ترکیبی است و برخی غیر ترکیبی:

۲۰۴ // دوصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۱- اوزان غیر ترکیبی (تک وزن):

در این جا برای نمونه، تنها بیت آغازین هر شعر آورده می شود و تعداد هجاها بدون در نظر گرفتن تقابل آن ها در کوتاهی و بلندی در هر مصراع است:

الف) ده هجایی / شعر "یار همیشگی":

من یکتا دل وفادار دارم یکتا هم یار جادو کار دارم (لاهوئی، ۱۳۵۸: ۱۵۲).

من / یک / تا / د / ل / و / فا / دار / دا / رم

ب) هشت هجایی / شعر "دوست وطن دوست":

ای دزدیده چشم از آهو آموخته افسون به جادو (همان، ۵۲۹).

ای / دز / دی / د / چش / مز / آ / هو

پ) هفت هجایی / شعر "من نمی ترسم":

بیا بیا السلام آبک سرد و وحشی (همان، ۳۵۸).

ب / یا / ب / یا / اس / س / لام

۲- اوزان ترکیبی (چند وزنی):

در این جا هم برای نمونه، تنها بیت آغازین هر شعر آورده می شود و تعداد هجاها بدون در نظر گرفتن تقابل آن ها در کوتاهی و بلندی در هر مصراع است:

الف) ده و هفت هجایی / شعر "سرود توده":

در هجوم آمد خصم آزادی تازید ای دلاوران (همان، ۵۵۱).

در / ه / جو / ما / مد / خص / م / آ / زا / دی

تا / زید / ای / د / لا / و / ران

ب) ده و نه هجایی / شعر "سرود وطن":

پهناور بود ملک پر شأتم دشت و رود و جنگلش بی مر (همان، ۷۰۴)

په / نا / ور / ب / ود / مل / ک / پر / شأ / نم

دش / ات / رو / د / جن / گ / لش / بی / مر

پ) ده و پنج هجایی / شعر "سرود شهباز":

ماری به کهسار خزید و آن جا به بحر نگران (همان، ۷۰۷).

بررسی محورهای نوآوری در شعر ابوالقاسم لاهوتی... || ۲۰۵

ما / ری / ب / که / سار / خ / زی / د / آن / جا
ب / بحر / ان / گک / ران
ت) ده و هشت هجایی / شعر "دوست وطن دوست":
دوستم وقتی که در سفر باشد از گل می‌گیرم بویش را (همان، ۲۱۴).
دوس / تم / وق / تی / ک / در / س / فر / با / شد
از / گل / می / گی / رم / بو / یش / را
ث) هشت و نه هجایی / شعر "صدای یار":
یار دل را صدا می‌کند مرا از دل جدا می‌کند (همان، ۱۶۸).
یار / دل / را / ص / دا / می / ک / ند
م / را / از / دل / ج / دا / می / ک / ند
ج) یازده، هفت و ده هجایی / شعر "پیروزی غزل":
بیمارستان چون دی ماه سفید پوش
آخر تو که در میدان
ای درد تو آرام دل من (همان، ۳۸۰).
بی / ما / رس / تان / چن / دی / ما / ه / س / فید / پوش
آ / خر / ت / ک / در / می / دان
ای / در / د / ت / آ / را / م / د / ل / من

نتایج مقاله

لاهوتی در تحولات ادبیات عصر مشروطه سهم به‌سزایی دارد. او برای پیشرفت و زنده نگه داشتن ادبیات، گام‌های مثبت و اندیشمندانه‌ای بر می‌دارد و هم‌چون دیگر پیشگامان نهضت ادبی، راه تجدید و سنت‌شکنی را در پیش می‌گیرد. او برخی از واژه‌های بیگانه از جمله روسی و اروپایی را در اشعار خود با تبحر خاص به کار می‌گیرد تا از این طریق به دامنه‌ی لغات فارسی بیفزاید و موجب گسترش دایره‌ی واژگان ایرانی گردد؛ در ترجمه‌ها از گونه‌ای نثر ادبی (شعر منتشر) به شیوه‌ی نوین بهره می‌برد؛ با کم و زیاد کردن مصراع‌ها در قالب چهارپاره می‌دهد، راهی برای ظهور شعر نو باز می‌کند و با

۱۱۱۲۰۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

بهره‌گیری از وزن هجایی (عددی) در برخی از اشعار خود، به آن حیات مجدد می‌بخشد. فرآیند این نوآوری‌ها، تولید آثار ادبی ارزشمندی می‌شود تا در زیر مجموعه‌های عظیم شعر فارسی قرار بگیرد و رهنمودی گردد برای پژوهشگران در عرصه‌ی ادبیات ملی ایران زمین.

منابع

- امین پور، قیصر. (۱۳۹۰). **سنت و نوآوری در شعر معاصر**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- روزبه، محمد رضا. (۱۳۹۱). **ادبیات معاصر ایران (شعر)**، تهران: روزگار، چاپ پنجم.
- زرین کوب، حمید. (۱۳۵۸). **چشم انداز شعر نو فارسی**، تهران: توس، چاپ اول.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). **نقد ادبی**، دو مجلد، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم.
- سپانلو، محمد علی. (۱۳۶۹). **چهار شاعر آزادی**، تهران: نگاه، چاپ اول.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۹۸). **با چراغ و آینه**، تهران: سخن، چاپ دهم.
- همو. (۱۳۸۷). **ادوار شعر فارسی**، تهران: سخن، چاپ سوم.
- شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۷۷). **تاریخ تحلیلی شعر نو**، چهار مجلد، تهران: مرکز، چاپ دوم.
- صدری نیا، باقر. (۱۳۷۵). **مفهوم ملیت در شعر ابوالقاسم لاهوتی**، ایران شناخت، شماره ۲، ۱۸۵ -

۲۱۸

- علی اکبری، نسرین؛ نظری تاویرانی، علی نظر «**بررسی جنبه های نوگرایی در وزن شعر ابوالقاسم لاهوتی و منشأ آن**»، ادبیات و زبان ها، فنون ادبی، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۶۵.
- فضیلت، محمود (۱۳۸۳)، **آهنگ شعر فارسی**، تهران: سمت، چاپ دوم.
- لاهورتی، ابوالقاسم. (۱۳۲۰). **دیوان**، به کوشش محمد محمد لوی عباسی، تبریز: نوشتین، چاپ اول.
- همو. (۱۳۵۷). **کلیات ابوالقاسم لاهوتی**، به کوشش بهروز مشیری، تهران: توکا، چاپ اول.
- همو. (۱۳۵۸). **دیوان**، به کوشش احمد بشیری، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.
- مؤمنی، باقر. (۱۳۵۷). **ایران در آستانه ی انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه**، تهران: شباهنگ، چاپ پنجم.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۵۸). **چشمه ی روشن**، تهران: علمی، چاپ پنجم.